



همدان/تاج آباد

سولماز عنایتی

عکس‌ها:

امیر حسین ترکمن

تاج آباد همدان چند سالی است که میزبان بزرگان ادبیات جهان است

«جان میلتنون»

در شرق گردنه اسدآباد

● خوشامدگویی «جان میلتنون»

وارد تاج آباد یا بهشت گمشده که می شوم، «جان میلتنون» نویسنده بزرگ خوشامد می گوید. انگار این روستا تکه‌ای از بهشتی است که مزین به نام کتاب شده و همه بزرگان در آن جمع اند. از ادبا و بزرگان ایران زمین بگیر تا نویسندگان نامدار جهان. آغاز بهشت گمشده، با جاده‌ای سبز است و تا چشم کار می کند وسعتی از اراضی بکر، آب و هوای کوهستانی که دیگر هیچ، ضامن خنکای تابستانی شده و گویی نسیم دلنشینی صورتت را نوازش می دهد و غرق در دنیای کتاب‌ها از کتابی به کتاب دیگر پرتاب می شوی و سوغاتی جز فهرستی از کتب خواندنی چیزی برای بردن نخواهی داشت. چهار قدم آن طرف‌تر از بولوار «بهشت گمشده»، محله «صدسال تنهایی»، بدجور آدم را هوایی می کند تا این اثر ارزشمند برنده نوبل را به دست بگیری و همان‌جا زیر سایه درختان تنومند و در دامنه کوه‌های راست قامت، مشغول خواندنش شوی. باید بر این احساس و سوسه انگیز غلبه کنم؛ چرا که دنیایی از زیبایی‌ها پیش رویم است و هنوز غافل گیری، تمامی ندارد؛ انگار سعدی با گلستان و بوستانش، مولانا با مثنوی‌اش و عطار با منطق الطیرش به استقبال می آیند.

● سلام «پاتولو»

اینجا نام کوچه‌ها و خیابان‌ها چندان هم بی‌راه نیست، برای رسیدن به خانه بهداشت، خیابان «قانون» را باید پشت سر بگذاری و به کوچه «کیمیگر» برسی. این نام‌گذاری توجه بسیاری از بزرگان را به تاج آباد جلب کرده است، قباد می گوید: «همین چند ماه پیش «پاتولو کوئیلو» نویسنده نامدار برزیلی از اینکه نام اثر بزرگش بر روی یک کوچه در این روستا قرار گرفته، سر ذوق آمده بود و آن را در شبکه‌های اجتماعی نشر داده و حتی قرار گذاشته که پس از تمام شدن بیماری منحوس کرونا به ایران و روستای تاج آباد سفر کند». قباد می افزاید: «مردم روستا کرد زبان هستند و نام‌های کوی و برزن را به سه زبان فارسی، انگلیسی و کردی حک کرده‌اند». بر سر هر کوچه که توقف کنیم، ساعت‌ها می توان راجع به آن سخن گفت و گردشگرها روزها می توانند در کوچه پس کوچه‌های در هم تنیده شده تاج آباد قدم بزنند و از کوی و برزن بگویند. قباد و دیگر اهالی روستا همین را می خواستند تا آوازه تاج آباد در جهان بیچد.

از همدان تا تاج آباد مدام در این فکر هستم که قرار است چه صحنه‌هایی را ببینم و با چه کسی به گفت‌وگو بنشینم، قطعاً سخن گفتن با افرادی که با کتاب مأنوس هستند، کار ساده‌ای نیست و باید از کلامت مراقبت کنی.

سرانجام او را می بینم، برخورد محترمانه‌اش در همان ابتدای کار فضای سنگینی که در ذهنم شکل گرفته بود را شکست. او باروبی گشاده به استقبال آمد و از روستا گفت. «تاج آباد روستایی در سرزمین بهار از توابع استان همدان در منطقه‌ای کردنشین و در شرق گردنه اسدآباد و در نزدیکی جاده همدان به کرمانشاه قرار گرفته و مردم این روستا با گویش کردی صحبت می کنند».

آنچه ما را به اینجا کشانده و باعث شده جهان با احترام به روستا و اهالی‌اش بنگرد به خاطر آن است که تاروپود کوچه‌های تنگ و باریکش جامه کتاب به تن کرده و عطر برگ برگ آن در میان ذرات معلق هوا نشسته است. تاج آباد روستایی با سبزه‌زارهای پهناور که حالا در زمستان، لباس سپید به تن کرده و کوه‌هایی بر فراز آسمان یک دست و آبی است و شرشر رودخانه روستا هم سیمفونی گنجشک‌های سراسیمه و فرود آمده به لانه‌های محصور درختان و انتظار قطرات باران را می نوازد. روستایی که اگر غلונکنیم نام‌آشنا در تمام دنیاست و دیدن و تماشای آن به یک بار امتحان می آرد، آخر اینجا بزم نویسندگان برقرار است درست در دل سرزمینی تاریخی با قدمت ۴۰۰ ساله. نشست پای صحبت قباد دلچسب است و نمی توان به سادگی او را ترک کرد، سؤال‌های بسیاری باید از او پرسید. قباد یاری، ابتدا دهیار روستا می شود و نخستین کاری که برای خودش تعریف می کند، ساخت کتابخانه است. عطش قباد برای دانستن در کودکی سیراب نشده و او نمی خواهد که دیگر فرزندان زادگاهش نیز این عطش را بچشند.

ماجرای قباد و اهالی از یک فیلم آغاز می شود، «رستگاری در شائو شنگ»، ایده از آنجا می آید و قباد با سایر اهالی تصمیم می گیرند که نام کوچه‌ها و خیابان‌ها را بر اساس کتاب‌ها و آثار برجسته ایران و جهان انتخاب کنند. او در اندیشه جهانی کردن تاج آباد است، بنابراین دست به ایمل می شود و سفارتخانه‌های کشورهای مختلف را به مدد می طلبد. نام هر کوچه و خیابان را به شور می گذارند و هر کدام از معابر نامی از آثار بزرگ مشاهیر جهان را به خود می گیرند.

در عکس‌ها دیده بودمش، وقتی زادگاهش به عنوان روستای دوستدار کتاب در سال ۱۳۹۴ برگزیده شده بود. از برخی هم وصف او را شنیده بودم، مردی که اغلب لباس کردی آراسته‌ای به تن دارد و با متانت با لهجه کردی صحبت می کند. هیجان برای دیدار او که با همکاری و همراهی هم روستایی‌هایش آوازه موطنش را به سراسر جهان رسانده، تمام وجودم را فرا گرفته است. «قباد یاری» دهیار سابق و عضو فعلی شورای اسلامی روستای تاج آباد، مردی که پیدا کردن شماره تلفنش کار چندان سختی نیست، هر جای جهان باشیم می توان سراغی از او گرفت. در ذهنم تصویری از مردی با لباس کردی طوسی و یک کتاب زیر بغلش نقش بسته است. نمی دانم چرا این طور او را مجسم می‌کنم.